

روایت دیگران نمائش خونین قدرت در پاکستان ! هنوز جای شکرش باقی است!

[پیوسته به گذشته بخش پنجاهم!](#)



محمد امین فروتن

برای رسیدن به اهداف بزرگ باید قربانی داد و یاهم دیگران را با زور و ادار به
قربانی کرد تا به اهداف تان نائل آئید !.

نیکولو ماکیاولی

گاهی وقت ها می بینم تنها چیزی که هنوز در کشور باقی است، جای شکر است، یعنی الحمدالله والمنه در هر زمینه ای جای شکرش باقی است. اگر من امروز خارج از سبک و سیاق همیشه گی و معمول خود چیزی مینویسم از این بابت است که جواب تاریخ را داده باشم ، لابد شنیده اید که در یک روز نسبتاً سرد زمستان پیشاور که با ۱۶ دسمبر سال ۲۰۱۴ مصادف بود چند تن از زنگیان مستی که دسته ای تروریست و سفاکی موسوم به تحریک طالبان پاکستان آنها را به اجاره گرفته بودند واسکت انتحاری پوشیدند و نارنجک بستند و شمشیر ها کشیدند بریک مکتب نظامی حمله بردند و چند صد تن از کودکان بی گناهی را که فرزندان افسران نظامی محسوب می شدند گروگان گرفتند

<https://www.youtube.com/watch?v=ZXNMSoNU424>

و در اوج این معرکه ننگین یک جلاذ خونریزی از همین دسته قاتلان که خود را خالد عمر خراسانی می خواند در مقام سخنگوی دسته خونریزی موسوم به تحریک طالبان پاکستان مسؤلیت این حادثه را بر عهده گرفت اما آنگاه که خراسانی صدای پذیرش مسؤلیت آن حادثه دلخراش را بر عهده میگرفت

تنها گزارشها از پریپر شدن چند طفل این مکتب نظامی انتشار یافته بود و جلاد خراسانی نیز که بیش از همه دغدغه زنده نه ماندن جنگجویانی را داشت که برای همین عملیات انتحاری از بسیار قبل در یک مرکز نظامی وابسته به ارتش پاکستان شستشوی مغزی شده و در راه رسیدن به بهشت موعود و حور در انتظار نشسته تربیت یافته بودند . اما این پرسش تاهنوز هم در ذهن همه تحلیلگران نظامی و سیاسی جا گرفته است که اخیر چه عواملی سبب شد تا گروهی را که همین چندی قبل از سوی جناح مذهبی بنیاد گرای سازمان اطلاعات ارتش پاکستان مورد حمایت قرار داشت و با حکومت نواز شریف گفتگو های صلح و آشتی را بره انداخته بود وادار به انجام چنین جنایت خونین ساخت ؟ بدون شک آنچه که در سرزمینی بنام پاکستان مورد عمل قرار میگیرد نتیجه خون ریخته شده ای است که از بسیاری آزادی خواهان نیم قاره هند که مخالف تولدیی کشوری بنام پاکستان بودند بدست جلادان انگلیس پرور همچون جویهای از خون جاری شده بود . اما نباید تعجب کرد که چگونه هر حادثه ای همچون زایمان عوارض ورسوبات گران بهای را نیز بجا میگذارد ؟ چنانچه در حادثه خونین آخیری که منجر به شهادت بیش از صدو پنجاه کودک و جوان و نوجوان شده بود سیاسیون و آگاهان نشستند و طی مباحثه های داغی عوامل وانگیزه های این حادثه را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دادند ، البته در این مباحثات از برخی چهره های جنجالی مانند مولانا عبدالعزیز خطیب لعل مسجد و سرپرست مدرسه حفصه که زنان را بنام تعلیم احکام شریعت اسلامی تروریست تربیه میکنند و از سوی بعضی حلقات استخبارات نظامی پاکستان ISI بصورت معلوم و نامعلوم حمایت همه جانبه بعمل می آید درباره حادثه خونین مکتب نظامی در پیشاور مورد پرسش قرار می گیرند و آنچه را که نباید می گفت بر زبان آورد ؛ چنانچه همین مولانا عبدالعزیز خطیب لعل مسجد اسلام آباد که روزگاری نه چندان دور بلکه در همین سال ۲۰۱۴ بحیث عضو هیأت مذاکره کننده با تحریک طالبان پاکستان درکنار مولوی سمیع الحق پدر معنوی طالبان و رئیس مدرسه حقانیه ، پروفیسور ابراهیم امیر ایالت خیبر پشتونخواه جماعت اسلامی ، عمران خان رهبر تحریک انصاف پاکستان و یکی از هوا خواداران سرپاقرص طالبانیزم در افغانستان ، مولانا یوسف شاه ، تعیین و منصوب نموده بود



در پاسخ مجری شبکه تلویزیونی نه تنها از محکوم ساختن حد اقل لفظی این حادثه خونین اباورزید بلکه بصورت واضح اعتراف نمود که این گروه که برای جهاد کشمیراز سوی استخبارات پاکستان بوجود آورده شده بود چگونه ممکن است بدون توجه به عوامل این حادثه آنرا محکوم کرد ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=k9to6jllFaM>

جنرال کریمی جنرال افغان و یاسرباز بیگانه ها ؟

در گرماگرم صحنه خونین حادثه غم انگیز پیشاور وقتی جنرال رحیل شریف قوماندان عمومی ارتش پاکستان به معیت جنرال رضوان اختر رئیس اطلاعات ارتش پاکستان ISI بصورت عاجل وارد کابل شد بی اختیار به یاد استدلال آن آخذ منبری افتادم که خطاب به یکی از رجال معروف سیاسی گفته بود " توکه میگوئی بچه پدرت هستی ، سند داری ؟ " میخوایم سند تا نرا ببینیم و پس از صدور دساتیر به قرار گاه مان برمیگردیم ، قدم این جنرالان مبارکه و دلسوز آنگاه بر سرزمین مان اجلال نزول فرمودند که عمر خراسانی سخنگوی و عضو استخباراتی تحریک موسوم به طالبان پاکستان در همان نخستین آغاز حمله انتحاری مسؤلیت این حمله را بر دوش گرفتند . اما خود مانیم دنیای ما هم دنیای مسخره ای است . روزگاری که این سرزمین حاکمی داشت و آن حاکم نیز قدرت و مشروعیتی ! هیچ جنرالی و سربازی نه میتوانیست بدون آنکه که از حاکم مشروع مملکت مجوز دخولی را گرفته باشند در قلمرو افغانستان نفس بکشند و داخل شوند . اما این جنرالان ستاره دار و دُمدار هر وقت و هر لحظه ای که قصد کنند به سرزمین آبائی ما داخل میشوند و بلا درنگ به اشپز خانه ارگ میرسند و ضمن نوشیدن چای و قهوه ای ، پهلوانان پنبه ای ما را توبیخ و ضرب فنی میکنند . چنانچه پیوست به سفر عاجل جنرالان پاکستانی روزنامه های وابسته به ارتش پاکستان خبر دادند که :



<https://www.youtube.com/watch?v=m5C-5AL8trY>

چه کسی نه می داند که نتیجه چنین نشستهای اضطراری و از قبل اعلام نشده "سیا" سی باید تکرار آن کارهای خانگی باشد که قبلاً به دست نشانده های شان داده شده باشد اما سرعت حوادث پای چنین جنرالان را به آبدار خانه ارگ کشاند تا یکبار دیگر آن وعده ها را تکرار کنند، اما کدام وعده ها؟ وعده های که در مسافرت رئیس غنی به پاکستان وعده داده شده بود اما " دست خالی دشمن آدمی!! "

<https://www.youtube.com/watch?v=Qcw6IIVLcEQ#t=11>

اما جنرال شیرمحمد کریمی لوی درستیز ارتش میلی افغانستان که گفته میشود از آشنایان قدیم و یار دبستانی شهنواز تنی وزیر دفاع و کودتاچی معروف وابسته با استخبارات پاکستان **ISI** است و به اساس یک گزارش در دولت وحدت ملی افغانستان پُست وزارت دفاع را نیز برعهده خواهند داشت برخلاف تمامی تحلیلگران حتی عمله ارگ قصر ریاست جمهوری سابق و آشپز خانه دولت موسوم به وحدت ملی کنونی که خبر ملاقات ناگهانی جنرال رحیل شریف و رضوان اختر را در اوج تشریفات کاذب همچون " به حضور پذیرفتند " سفر این دو جنرال ستاره دار پاکستانی را در گفتگو با رادیو آزادی ارائه کرد

<http://da.azadiradio.org/content/transcript/26750506.html>

کاملاً با اصل حقیقت منتشر شده از سوی مطبوعات افغانستان و جهان حتی در مغایرت با اظهارات فرمانده نیروهای بین المللی در افغانستان که جنرال مذکور نیز در نشست مشترک جنرال رحیل شریف با رئیس غنی و دیگر مقامات دولت وحدت ملی حضور داشتند بروز روشن بجای راست گفتن و صحیح نقل کردن با تأسف که به بیماری هذیان گوئی دچار گردیده است ...

نا تمام